

Email:
rjcis@journals.sku.ac.ir

website:
<https://rjcis.sku.ac.ir>

Journal of Culture and Islamic Sciences



A Study of the Literal Meaning of Hilm and Its Application in the Narrations of Imam Ali (AS)

Roohi Dehkordi Majid^{*1}, Shariati Kamalabadi Mohammad², Roohi Dehkordi Ehsan³

- 1- Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahrood University, Shahrood, Iran
- 2- Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahrood University, Shahrood, Iran
- 3- Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahrood University, Shahrood, Iran

Article information

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Hilm (forbearance),
Applying forbearance,
Halim (forbearing),
Hadiths of Imam Ali (AS).

Received: 2025/07/18
Accepted: 2025/08/20

*Corresponding author:
mjdroohi@sku.ac.ir

How to cite this paper:

Roohi Dehkordi, M, Shariati Kamalabadi, M., Roohi Dehkordi, E., (2025). A Study of the Literal Meaning of Hilm and Its Application in the Narrations of Imam Ali (AS). Journal of culture and Islamic sciences. 9(5): 205-216.

ABSTRACT

One of the most frequent orders in Islamic teachings is the order to be forbearing. In many hadiths, the importance and position of forbearance are expressed, along with its effects and benefits, encouraging and motivating Muslims to practice and adhere to this moral virtue. In the present research, after examining and analyzing the literal meaning of hilm in authentic Arabic lexical sources and stating the main meaning of this word, the uses of the word Halim in the Qur'an have been discussed and then according to the traditions that have been mentioned from Imam Ali (peace be upon him) regarding the various dimensions of this moral virtue, the position of forbearance, the importance of forbearance, the signs of forbearing, the relationship of forbearance with intellect and knowledge, the effects and benefits of forbearance, the ways to increase forbearance and the harm of forbearance have been discussed. Given that many examples of the Amir of the Faithful (a.s.)'s forbearance towards his opponents and oppressors have been mentioned in historical reports, at the end, practical examples of his forbearance towards his enemies have been mentioned to clarify the concrete manifestation of this virtue in his life.

DOI: [10.22034/rjcis.2025.15313.1148](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.15313.1148)



بررسی معنای لغوی حِلْم و کاربرد آن در روایات امام علی (ع)

مجید روحی دهکردی^{۱*}، محمد شریعتی کمال آبادی^۲، احسان روحی دهکردی^۳

۱. گروه علوم قرآن و حدیث ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۲. گروه علوم قرآن و حدیث ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۳. گروه علوم قرآن و حدیث ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	یکی از سفارش‌های پرتکرار در آموزه‌های اسلامی، توصیه به حلم‌ورزی است. احادیث فراوانی، با بیان اهمیت و جایگاه حلم و بیان آثار و فواید آن، مسلمانان را به پابندی و عمل به این فضیلت اخلاقی، ترغیب کرده‌اند. در پژوهش حاضر پس از واکاوی معنای لغوی حلم در منابع واژگانی معتبر عربی و تبیین معنای اصلی این واژه، به کاربردهای واژه‌ی «حلم» در قرآن پرداخته شده است. سپس با توجه به روایات امام علی، علیه‌السلام، در مورد ابعاد گوناگون این فضیلت اخلاقی، مباحثی چون جایگاه حلم، اهمیت حلم، نشانه‌های انسان حلیم، رابطه‌ی حلم با عقل و علم، آثار و فواید حلم، راهکارهای تقویت این خُلق نیکو و آفت حلم بررسی گردیده است. از آنجا که تاریخ، نمونه‌های بسیاری از حلم‌ورزی امیرمؤمنان، علیه‌السلام، در مواجهه با مخالفان و ستمگران به آن حضرت را ثبت کرده است، در پایان این نوشتار، نمونه‌هایی عملی از حلم‌ورزی آن حضرت در برابر دشمنانشان بیان شده تا تجلّی عینی این فضیلت در سیره‌ی علوی، روشن‌تر گردد.
واژگان کلیدی: حلم، حلم‌ورزی، حلیم، احادیث امام علی (ع).	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول:	
mjdroohi@sku.ac.ir	
ارجاع: روحی دهکردی، م.، شریعتی کمال آبادی، م.، روحی دهکردی، ا.، ۱۴۰۴، بررسی معنای لغوی حِلْم و کاربرد آن در روایات امام علی (ع)، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۵(۹)، ۲۰۵-۲۱۶.	

مقدمه

در منظومه‌ی ارزش‌های انسانی، همبستگی اجتماعی، معاشرت نیکو، مهربانی و همدلی با برادران دینی و دیگر افراد جامعه و همچنین استقرار امنیت و آرامش، از آرمان‌های مطلوب همه‌ی جوامع بشری است که جایگاه آن‌ها در تعالی و سعادت جامعه انکارناپذیر است. اما از سوی دیگر، تکثر دیدگاه‌ها و اختلاف سلیقه‌ها در مسائل گوناگون، تفاوت‌های فردی در توانمندی‌های عقلی و روحیات، وجود کاستی‌های انسانی در همه‌ی افراد و وقوع ناخواسته‌ی خطا و لغزش در گفتار و رفتار انسان‌ها نیز از واقعیات اجتناب‌ناپذیر حیات اجتماعی است که می‌تواند به تنش‌ها و تعارضات بین فردی یا گروهی بینجامد.

در مواجهه با این چالش‌های اجتماعی، راهکارهای اخلاقی به‌ویژه «حلم‌ورزی» می‌تواند نقشی محوری ایفا کند. به نظر می‌رسد یکی از ابعاد سفارش‌های پرتکرار معصومان (ع) به فضایی چون: «حلم» (بردباری) و دیگر فضایل اخلاقی مشابه آن، همچون رفق (نرم‌خویی و ملایمت)، لین (نرم‌خویی)، کظم غیظ (فروخوردن خشم)، عفو و صفح (گذشت و بخشودن)، مدارا، مسالمة (صلح و آشتی)، مسامحه (چشم‌پوشی و گذشت)، تغافل (خود را به غفلت‌زدن از امور پست و عیوب و رفتار و گفتار ناشایست دیگران) و مانند آن، ناظر به همین واقعیات زندگی اجتماعی است و این آموزه‌ها، راهکارهایی خردمندانه برای مدیریت تعارضات، کاهش تنش‌های اجتماعی، ایجاد فضای تعامل سازنده و تقویت پیوندهای انسانی و به‌مثابه‌ی پلی است میان آرمان‌های اجتماعی و واقعیت‌های زندگی جمعی.

پیشوایان معصوم دین (ع) که خود قله و نهایت حلم هستند و جلوه‌های متعدد حلم‌ورزی در سیره‌ی عملی و رفتاری ایشان قابل مشاهده است، در احادیث بسیاری، درباره‌ی ابعاد مختلف حلم، سخنانی ارزنده بیان داشته‌اند که از آن جمله، احادیثی است که از امیرمؤمنان (ع) در این باره روایت شده است؛ احادیثی که در این مقاله قصد داریم با بهره‌گیری از آن‌ها به تبیین ابعاد مختلف این عمل اخلاقی پردازیم. روش کار در این نوشتار، جمع‌آوری هدفمند مطالب مرتبط با موضوع پژوهش، دسته‌بندی و در صورت لزوم، توضیح آن‌ها بر اساس موضوع مورد بحث و در نهایت، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بوده است.

پیشینه تحقیق

با بررسی مقالات و پژوهش‌هایی که درباره‌ی موضوع حلم با عناوینی چون «گستره‌ی معنایی حلم در لغت و حدیث»، «تحلیل معنایی واژه حلم و مشتقات آن در قرآن کریم و نهج‌البلاغه بر اساس نظریه بافت»، «حلم و بردباری در سیره اخلاقی ائمه معصومین»، «مدل مفهومی حلم بر اساس منابع اسلامی با تأکید بر کنترل خشم» یا چندین مقاله که با عنوان «حلم» در سایت‌های مختلف اسلامی مانند ویکی‌شیعہ، ویکی‌فقه، دانشنامه‌ی اسلامی و دانشنامه‌ی جهان اسلام در دسترس قرار دارند، از نظر راقم این سطور، گاه می‌توان نقصان‌هایی یافت و وجوه تمایزی برای آن‌ها و این پژوهش قائل شد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. از نظر بررسی معنای لغوی، بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، حداقل یکی از تفاوت‌های زیر در پژوهش‌های پیشین و نوشتار حاضر قابل مشاهده است:

- عدم مراجعه به پاره‌ای از معاجم دست اول عربی که توضیحات آن‌ها قاعداً باید برای بررسی معنای لغوی یک واژه عربی، مورد مراجعه و مذاقه قرار گیرد؛
 - پرداختن به وجوه اشتراک و افتراق حلم و برخی واژگان هم‌حوزه با آن که مورد بحث این مقاله نیستند؛
 - بررسی معنای حلم بر اساس نظریه بافت (سیاق) در علم معناشناسی و نه بررسی منابع اولیه لغوی عربی که معنای ریشه‌ای کلمه را بیان کرده‌اند؛ یعنی، نویسنده در پی آن بوده که وجوه معنایی برجسته‌ی این واژه در هر بافتی را با توجه به موقعیت آن، تبیین کند؛
 - در تبیین معنای حلم، گاه فقط به سخن یکی از لغویان مثل راغب و ذکر برخی احادیث درباره‌ی این واژه اکتفا شده و بررسی نقادانه‌ی گفته‌های منابع لغوی معتبر درباره‌ی حلم انجام نشده است؛
 - عدم بررسی لغوی کافی یا انجام بررسی اجمالی و مختصر در بیان معنای این واژه؛
 - پرداختن به معنای اصلی و ریشه‌ای این واژه که در سایر مشتقات آن وجود دارد و بسنده کردن فقط به بیان گفته‌های لغویانی که درباره‌ی معنای این واژه، مطالبی را نقل کرده‌اند بدون نقد و واکاوی معانی نقل شده؛
 - و گاه بررسی مفهوم حلم به روشی متفاوت انجام شده است؛ مثل استخراج مدل مفهومی حلم با استفاده از منابع اسلامی با روش تحلیل محتوای عرفی که ظاهراً تحلیل محتوای متون اسلامی، با توجه به ابعاد روان‌شناختی این موضوع است.
- و تفاوت‌ها از نظر بیان و دسته‌بندی احادیث:
- ذکر تنها بخشی از احادیث مرتبط با این موضوع و گاه بدون دسته‌بندی آن‌ها و بیان مباحث غیرمرتبط با موضوع این پژوهش؛ مثل تعریف و نشانه‌های حلم از دیدگاه برخی علمای مسلمان مثل علمای اخلاق یا عارفان و صوفیان یا بیان نظرات برخی مستشرقان درباره‌ی حلم؛
 - ارائه‌ی نمایی کلی از این مبحث در قرآن و در گفتار و رفتار معصومان بدون تمرکز بر احادیث امام علی(ع) و دسته‌بندی احادیث آن حضرت در این باره.
 - پرداختن فقط به احادیث امام علی(ع) در نهج البلاغه؛
 - عدم ارائه‌ی تفصیل و دسته‌بندی کامل یا مناسب برای احادیث آن حضرت در این باره.
- بنابراین درباره‌ی وجوه تمایز این مقاله با دیگر آثار هم‌موضوع، به صورت کلی، می‌توان یکی، تفاوت روش در بررسی معنای لغوی و بازایی معنای ریشه‌ای این واژه و دیگری، تفاوت در ارائه و دسته‌بندی موضوعی احادیث امیرمؤمنان(ع) درباره‌ی «حلم» را بیان کرد.

معنای لغوی حلم

طبق نظر ابن فارس، کلماتی که از سه حرف حاء، لام و میم مشتق شده‌اند، به یکی از این سه معنای اصلی دلالت دارند: «ترک عجله»، «سوراخ سوراخ شدن چیزی» و «چیزی را در خواب دیدن». وی در ادامه می‌افزاید: معنای نخست، مخالف طیش (شتابزدگی، بی‌ثباتی) است؛ معنای دوم، برگرفته از «حَلِمَ الْأَدِيمُ إِذَا تَثَقَّبَ وَ فَسَدَ» (پوست،

سوراخ سوراخ و خراب شد.) که در اثر ورود موجوداتی [مانند کرم یا کنه] به آن رخ می‌دهد و معنای سوم، از «قد حَلَمَ فی نومه» گرفته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۹۳/۲).

اما صاحب کتاب التحقیق، تنها یک معنای اصلی برای این ریشه قائل است و بازگشت معانی دیگر را به همان یک معنا می‌داند و آن را چنین بیان می‌دارد: «نگهداری خود از هیجان خشم و از احساسات و بروز حالت آرامش و سکون و صبر در برابر چیزی که با طبیعت آدمی سازگار نیست و متضاد آن عجله، شتابزدگی، بی‌ثباتی، سبک‌سری و خشم است» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲۷۳/۲-۲۷۴) و به صورت خلاصه، می‌توان گفت وی معنای اصلی آن را، «خودنگهداری و آرامش» گفته است. او در ادامه آورده است: «چون پوست یا چرم در برابر موجوداتی که به آن وارد می‌شوند و آن را سوراخ می‌کنند، حالت آرامش و تسلیم دارد، از این واژه برای بیان این معنا استفاده شده است و به آنچه شخص خوابیده در حالت خواب می‌بیند نیز حِلْم می‌گویند چون در حالت آرامی و دوری بدن از حرکت و جنبش بیداری دیده می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲۷۳/۲-۲۷۴).

اما می‌توان گفت این ریشه، یک معنای اصلی دارد و آن «آرام بودن» است. در هر سه معنایی که ابن فارس برای این ریشه بیان کرده نیز می‌توان این معنا را یافت: در معنای نخست که مشخص است. در معنای دوم، احتمالاً چون کَنه، آرام آرام کار یا حرکت می‌کند، از این ریشه در زبان عربی برای نامگذاری آن استفاده شده است (حَلَمَةٌ: کَنه) و سپس برای پوستی که کَنه افتاده باشد، از فعل «حَلَمَ» استفاده شده است؛ یعنی معنای «حَلَمَ الْأُدِیمُ» در اصل، بوده: حَلَمَةٌ وارد پوست شد و آن را سوراخ سوراخ کرد. و بدین ترتیب، مسیر فهم معنای حِلْم متفاوت با مسیر بیان شده از سوی ابن فارس است؛ در تأیید این مطلب، می‌توان به نظری که راغب در این باره نقل کرده است، اشاره کرد: «گفته شده: کَنه، حَلَمَةٌ نامیده شده به سبب بسیار آرام بودنش که شبیه شخص خوابیده، [آرام و بی حرکت] است» (راغب، ۱۴۱۲ق: ۲۵۴) و برای معنای سوم، چون خواب دیدن در حال آرامی بدن رخ می‌دهد یا خواب دیدن، بدون جنبش بدن و به آرامی، در ذهن یا نفس شکل می‌گیرد، برای رؤیا یا خواب دیدن نیز، از این ریشه استفاده شده است.

معانی «حِلْم» در کتاب‌های لغت عربی چنین آمده است: «عقل، متضاد سفاهت (بی‌خردی)، خودنگهداری از هیجان خشم، بردباری، متانت و وقار، سکون، سنگین بودن، صبر کردن، درنگ کردن، عجله نکردن، ضد شتابزدگی، گذشت کردن و پوشاندن» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۹۳/۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲۴۶/۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ۱۹۰۳/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴۶/۱۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۴۳۳/۱؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۵۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ۱۰۹۶؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ۵۶۵؛ ابن سیده، ۱۳۷۷ق، ۲۷۶/۳؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ۴۹/۶؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۸/۲). چنانکه پیداست در همه‌ی این معانی به جز عقل، معنای اصلی ذکر شده (آرام بودن)، دیده می‌شود.

بسیاری از مفسران «أَحْلَام» (جمع حِلْم یا حُلْم) در آیه‌ی «أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ» (طور: ۳۲) را به «عقول» معنا و تفسیر کرده‌اند (به عنوان نمونه: طوسی، بی تا، ۴۱۳/۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۵۴/۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۹/۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱۲۰/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴۱۳/۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ۳۳۹۸/۶). اما برخی از لغت‌دانان تصریح کرده‌اند که معنای حِلْم در حقیقت، عقل نیست ولی چون نتیجه و رهاورد عقل است، حِلْم، عقل

معنا شده است (نک/ راغب، ۱۴۱۲ق، ۲۵۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۴۹/۶) و احتمالاً به همین دلیل، حِلْم به معنای عقل نیز در زبان عربی به کار رفته است نه اینکه عقل، معنای حقیقی و مطابقی حِلْم باشد. بنابراین می‌توان گفت معنای اصلی این ریشه، «آرام‌بودن» است که تقریباً در همه‌ی کاربردها و مشتقات مختلف آن وجود دارد.

حلم در احادیث امام علی(ع)

در احادیث بسیاری از امام علی(ع) به موضوع حلم پرداخته شده است که حاکی از اهمیت و جایگاه این اخلاق در معارف دینی است. در بخش‌های زیر، به بررسی جوانب مختلف حلم با بهره‌گیری از احادیثی منتخب از امیرمؤمنان(ع) در این باره خواهیم پرداخت.

۱. جایگاه حلم

در تبیین جایگاه حلم در منظومه فکر اسلامی می‌توان احادیث زیر از امیرمؤمنان(ع) را بیان داشت:

— هیچ فضیلتی همچون حلم نیست؛

— هیچ شرافتی والاتر از حلم نیست؛

— هیچ عزتی بالاتر از حلم نیست؛

— زیبایی آدمی، حلم اوست؛

— برترین اخلاق مردمان، حلم است؛

— حلم، ستون کار مؤمن است؛

— چون خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد، او را به آرامش و حلم می‌آراید.

این سخنان به روشنی، بیانگر جایگاه والای این اخلاق سفارش‌شده در آموزه‌های اسلامی است.

۲. اهمیت حلم

در بیان اهمیت حلم از جمله می‌توان به احادیث زیر از امام علی(ع) توجه کرد:

— در اخلاقی که حلم آن را نیاراسته باشد، خیری وجود ندارد؛

— عقل هرگز مزین نخواهد شد مگر آنکه حلم، آن را یاری دهد؛

— خیر آن نیست که مال و فرزندان زیاد شوند، بلکه آن است که علمت زیاد و حلمت بزرگ شود و با پرستش

پروردگارت بر مردم سرافرازی کنی (نهج‌البلاغه، ح ۹۴). یعنی فزونی حلم در آدمی، خیری است که به او رسیده است.

با توجه به احادیث مزبور و با توجه به اینکه اخلاق‌مداری و عقلانیت و تعقل از فضایل سفارش‌شده در آموزه‌های اسلامی است، می‌توان به اهمیت حلم و تَخَلُّق به آن، در تحقق اهداف مد نظر دین پی برد.

۳. نشانه‌های حلیم

در معاجم عربی تصریح نشده که حلیم، صفت مشبهه است یا اسم مبالغه اما با توجه به اینکه از فعل لازم مشتق شده است و فعلش بر وزن فَعَلَ (حَلَمَ) است (ر.ک. مصطفی، ۱۴۱۰ق، ذیل حلم)، می‌توان گفت که صفت مشبهه

است(ر.ک. شرتونی، ۱۴۲۱ق، ۱۱۹/۴، ذیل الصفة المشبهة)؛ در این صورت، حلیم به معنای کسی است که ویژگی حلم یا بردباری، به صفتی ثابت در وجود او تبدیل شده است. این واژه، پانزده بار در آیات قرآن به کار رفته است: یازده بار برای خداوند، دو بار برای حضرت ابراهیم، یک بار برای حضرت شعیب و یک بار هم برای فرزند حضرت ابراهیم(حضرت اسماعیل) که خود گویای اهمیت، ارزش و برجستگی این اخلاق انسانی است.

از سخن امام علی(ع) درباره‌ی خداوند، می‌توان برداشت کرد که حلم خداوند، موجب عفو اوست: «يَقْضِي بَعْلَمٍ وَيَعْفُو بِحِلْمٍ؛ با علم حکم می‌کند و از روی حلم درمی‌گذرد»(نهج البلاغه، خ ۱۶۰) یا «عَظُمَ حِلْمُهُ فَعَفَا؛ حلمش بزرگ بود پس درگذشت»(نهج البلاغه، خ ۱۹۱).

طریحی در تعریف حلیم گفته: کسی است که در مجازات، شتاب نمی‌کند(طریحی، ۱۳۷۵، ۴۸/۶)؛ مفسران نیز معمولاً مشابه همین معنا را برای حلیم بیان کرده‌اند(به عنوان نمونه: طوسی، بی‌تا، ۲۶/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۹۳/۲ و ۶۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۵۱/۴ و ۳۹۹/۱۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۵۵۱/۴). از دیگر لغویان نقل شده: این صفت هرگاه برای خدا به کار رود، به معنای صبور است؛ یا کاربرد آن برای خدا، یعنی او کسی است که سرپیچی سرکشان، او را تحریک و عصبانی نمی‌کند و خشم بر آنان، او را برانگیخته و ناراحت نمی‌کند، بلکه او برای هر چیز، اندازه‌ای قرار داده است که باید به آن اندازه برسد(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴۶/۱۲). بنابراین می‌توان گفت حلیم کسی است که مواجهه با امور ناخوشایند یا تحریک‌آمیز، او را از حالت آرامش درست و معقول خود یا از مسیر صحیح عقلانیت خارج نمی‌کند.

در ادامه، با توجه به احادیث امام علی(ع) به ذکر مشخصات و نشانه‌های بیشتری برای حلیم می‌پردازیم. از جمله مشخصات و نشانه‌هایی که برای شخص حلیم یا بردبار در سخنان امام علی، علیه السلام، بیان شده این موارد است: حلیم کسی است که هنگامی که قدرت یابد، بیخشاید و حلم، بر همه‌ی امورش غالب باشد؛ تحملش زیاد باشد؛ [هرگز] دشنام ندهد؛ کسی است که چون آزار ببند، صبر کند و چون به او ستم شود بگذرد؛ به هنگام خشم و عصبانیت، خشم خود را فروخورد و خوشتن‌دار و خودنگهدار باشد؛ کسی است که [تحمل] هزینه و سختی حلم‌ورزی، برایش دشوار نباشد. از بارزترین نشانه‌های حلم‌ورزی، که از سخنان آن حضرت می‌توان برداشت کرد، فروخوردن خشم، خودنگهداری، گذشت، تغافل(خود را به غفلت‌زدن از امور پست و عیوب و رفتار و گفتار ناشایست دیگران)، صبور بودن و سکوت کردن به هنگام خشم و ناراحتی از گفتار یا رفتار جاهلانه است:

— برترین حلم، فروخوردن خشم و خودنگهداری با وجود قدرت داشتن است؛

— از آن حضرت پرسیده شد: «حلیم‌ترین مردمان چه کسی است؟ فرمود: کسی که خشمگین نمی‌شود»(صدوق،

۱۳۷۶: ۳۹۴)؛

— هیچ حلمی چون گذشت نیست(آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۵)؛

— هیچ حلمی به‌مانند تغافل نیست(آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۵)؛

— هیچ حلمی همچون صبر و سکوت نیست(کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲۰/۸)؛

— حلم و متانت دو همزادی هستند که نتیجه‌ی بلندهمتی‌اند(نهج البلاغه، ح ۴۶۰).

بنابراین عفو و گذشت، خویشتن‌داری، فروخوردن خشم، تغافل، صبر و سکوت و متانت از نشانه‌های حلیم و از مصادیق حلم‌ورزی‌اند.

۴. رابطه حلم با عقل و علم

با توجه به سخنان امیرمؤمنان، علیه السلام، می‌توان گفت حلم، فضیلتی است برآمده از عقلانیت و علم و عقل و علم بدون حلم، سودی نمی‌بخشد. چنانکه آن حضرت فرموده‌اند: «علم، اصل (ریشه‌ی) حلم است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴)؛ «حلم، میوه‌ی علم و زینت علم است؛ کمال علم، حلم است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۰)؛ «از نشانه‌های متقین، درآمیختن حلم با علم است» (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۳)؛ «هر کس حلمی ندارد، علمی ندارد؛ علم هرگز ثمر نمی‌دهد مگر اینکه همراه حلم باشد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴)؛ «حلم‌ورزی نیکو، نشانه‌ی وفور علم است» و از مشخصات اهل بیت پیامبر (ص) از زبان امیرمؤمنان (ع): «حلم آنان، خبر از علم ایشان می‌دهد» (نهج‌البلاغه، خ ۲۳۹)؛ «سختی حلم را به جان بخر چرا که آن، سر حکمت (سرآغاز یا سرچشمه حکمت) و ثمره‌ی علم است؛ با عقل است که حلم، فراوان می‌گردد؛ در عقلی که همراه با حلم نباشد، خیری وجود ندارد».

۵. آثار و فواید حلم

آثار و فواید متعددی برای حلم در روایات امام علی (ع) بیان شده است که در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- هر کس حلم ورزد، کرامت یابد (کریم و بزرگوار دانسته شود)؛ هر کس حلم ورزد، سروری یابد (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۸۰)؛

- هر کس اهل حلم باشد، در کار خود کوتاهی نکند و در میان مردمان ستوده زندگی کند (نهج‌البلاغه، ح ۳۱)؛

- حلم پرده‌ای است پوشاننده؛ پس ضعف و رخنه‌های اخلاقت را با حلم خود بپوشان (نهج‌البلاغه، ح ۴۲۴)؛

- اولین فایده‌ی حلم برای حلیم این است که مردم همگی یاوران او بر ضد دشمنش می‌شوند؛ حلم، دهان‌بند سفیه است؛ با حلم در برابر سفیه، یاران ضد او بسیار گردند (نهج‌البلاغه، ح ۲۲۴)؛

- هیچ پشتیبانی چون حلم نیست؛ حلم، عشیره است (نهج‌البلاغه، ح ۴۱۸)؛ [یعنی همچون عشیره، یاری‌گر و پشتیبان انسان است]. حلم و تحمل را یاری‌گرت‌تر از مردان دلیر، برای خود یافتیم؛ و زیدبن‌صوحان پرسید: «ای امیرمؤمنان، کدام یک از آفریدگان قوی‌تر است؟» فرمود: «حلیم» (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۹۴).

از دیگر آثار حلم‌ورزی، مواردی است که در توصیه آن حضرت به قنبر (غلام آن حضرت) بیان شده است: «امیرمؤمنان علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) شنید که مردی، قنبر را دشنام می‌دهد. قنبر خواست جوابش را بدهد که امیرمؤمنان (ع) وی را صدا زد و گفت: آرام باش ای قنبر، دشنام‌دهنده‌ات را خوار، رها کن تا خدای رحمان را خشنود کنی و شیطان را به خشم آوری و دشمنت را مجازات کنی؛ زیرا سوگند به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، مؤمن، پروردگارش را با چیزی مانند حلم خشنود نکرده و شیطان را با چیزی مانند سکوت به خشم نیاورده و احمق با چیزی مانند سکوت مجازات نشده است» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۱۸).

۶. راهکارهای افزایش حلم

چنانکه گفته شد حلم فضیلتی است که سرچشمه آن عقل و علم است. بنابراین افزایش عقل و علم آدمی، فزونی حلم او را نیز در پی خواهد داشت. اما در روایات امام علی، علیه السلام، به ویژه دو راهکار عملی برای افزایش حلم به چشم می‌خورد: یکی، تَحْلُم (خود را به حلم زدن) و دیگری، فروخوردن خشم. در روایتی مشهور از آن حضرت نقل شده است: «اگر حلیم نیستی خود را به حلم بزنی؛ زیرا کسانی که خود را شبیه مردمانی می‌کنند معمولاً یکی از آنان می‌شوند» و در روایتی دیگر درباره اهمیت تَحْلُم آمده است: «هر کس خود را به حلم نزند، حلیم نمی‌گردد» یا: «بهترین حلم، خود را به حلم زدن است». همچنین درباره فروخوردن خشم: «خشم را فروخور تا حلمت افزون شود؛ هر کس خشم خود را فروخورد، حلمش کامل می‌گردد» و همچنین: «کمال یافتن حلم، به تحمل زیاد و فروخوردن [خشم] است» (آمدی، ۱۳۶۶، ۴۲۰) که تحمل را معمولاً می‌توان از مصادیق یا مقتضیات فروخوردن خشم دانست.

۷. آفت حلم

در حکمتی از امیرمؤمنان(ع) نقل شده است: «آفت حلم، خواری است». آن گونه که از ظاهر این روایت برمی‌آید، حد و مرز حلم‌ورزی تا جایی است که موجب ذلت و خواری نشود.

حلم در سیره‌ی عملی امام علی(ع)

به اذعان بسیاری از علمای مسلمان، امام علی(ع)، پیشوایی بسیار ممتاز و جامع‌الاطراف بوده و نمونه‌های بسیاری از بردباری و تحمل و شکیبایی آن حضرت در برابر دشمنان و مخالفان و ظالمان به آن حضرت، در گزارش‌های تاریخی ذکر شده است. از همین رو، در این بخش پس از بیان حدیثی از پیامبر اکرم(ص) در این باره، به ذکر نمونه‌هایی عملی از بردباری و حلم‌ورزی آن حضرت می‌پردازیم. از پیامبر گرامی اسلام(ص) منقول است: «هر که می‌خواهد به آدم در علمش و به نوح در فهمش و به ابراهیم در حلمش و به یحیی در زهدش و به موسی در شدتش، نگاه کند، به علی بن ابی طالب بنگرد» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱۰۳/۱).

ابن ابی‌الحدید در شرح خود بر نهج‌البلاغه درباره امیرمؤمنان(ع) گفته است: «در زمینه حلم و گذشت؛ او حلیم‌ترین مردمان در برابر [خطا و] گناه و باگذشت‌ترین انسان‌ها در برابر بدکاران بود». درستی این سخن، در جنگ جمل آشکار شد وقتی که بر مروان بن حکم که دشمن‌ترین و کینه‌توزترین مردم نسبت به او بود، پیروز شد اما از او درگذشت و عبدالله بن زبیر در حضور همه، او را دشنام می‌داد و در جنگ بصره خطبه خواند و گفت: «این پست فرومایه، علی بن ابی‌طالب بر شما وارد شده است» و علی(ع) می‌گفت: «زبیر همچنان مردی از ما اهل بیت بود تا زمانی که عبدالله بزرگ شد». اما وقتی در جنگ جمل بر او دست یافت و او را اسیر کرد، از او نیز درگذشت و [به او] گفت: «برو، دیگر نبینمت» و چیزی بیش از این، به او نگفت. پس از جنگ جمل، در مکه، به سعید بن عاص که دشمن آن حضرت بود، دست یافت، اما از او روی برگرداند و چیزی به او نگفت. و در مورد عایشه با وجود اقداماتی که ضد آن حضرت انجام داده بود، هنگامی که به وی دست یافت، او را گرامی داشت و به همراه بیست

تن از زنان [قبیله‌ی] عبدالقیس که آنان را با عمامه گذاشتن و آویزان کردن شمشیر، همچون مردان کرده بود، به مدینه فرستاد... و مردم بصره با او جنگیدند و به روی او و فرزندانش شمشیر کشیدند و او را دشنام دادند و لعنت کردند، اما زمانی که بر آنان چیره شد، شمشیر را از روی آنان برداشت و منادی او در همه جای لشکر ندا داد: «هیچ فرارکننده‌ای دنبال نشود، هیچ زخمی‌ای از پای درنیاید، هیچ اسیری کشته نشود و هر کس سلاح خود را زمین گذارد، در امان است و هر کس به لشکر امام پناه آورد، در امان است؛ و نه وسایل آنان را مصادره کرد و نه فرزندانشان را اسیر و نه چیزی از دارایی‌هایشان را به غنیمت گرفت. و اگر می‌خواست همه این کارها را انجام دهد، انجام می‌داد، اما جز عفو و گذشت، نخواست و مشابه سنت رسول خدا(ص) در روز فتح مکه عمل کرد که عفو کرد در حالی که کینه‌ها سرد نشده بود و بدی‌ها فراموش نگشته بود» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱/۲۲-۲۳).

نتیجه‌گیری

می‌توان گفت ریشه «حلم» در زبان عربی، یک معنای اصلی دارد و آن، «آرام‌بودن» است که تقریباً در همه‌ی کاربردها و مشتقات مختلف آن می‌توان این معنا را یافت.

امیرمؤمنان(ع) در احادیث متعددی به بیان جایگاه والای حلم و اهمیت تخلُّق به آن پرداخته‌اند و نمونه‌های بسیاری از حلم‌ورزی و شکیبایی آن حضرت در برابر دشمنان و مخالفان و ظالمان به ایشان، در گزارش‌های تاریخی ذکر شده است که افزون بر سفارش‌های گفتاری و سخنان حکیمانه‌ی آن حضرت در این باره، الگویی عملی را در پیش چشم جویندگان راهکارهای اخلاقی و معاشرت اخلاق‌مدارانه، به تصویر می‌کشد.

در تعریف حلیم می‌توان گفت: حلیم کسی است که مواجهه با امور ناخوشایند یا تحریک‌آمیز، او را از حالت آرامشِ درست و معقول خود یا از مسیر صحیح عقلانیت خارج نمی‌کند. فروخوردن خشم، خودنگهداری، عفو و گذشت، تغافل(خود را به غفلت زدن از امور پست و عیوب و رفتار و گفتار ناشایست دیگران)، صبوربودن و سکوت کردن به هنگام خشم و ناراحتی از گفتار یا رفتار جاهلانه، از نشانه‌های حلیم و از مصادیق حلم‌ورزی هستند. با توجه به سخنان امیرمؤمنان، علیه السلام، می‌توان گفت: حلم، فضیلتی است برآمده از عقلانیت و علم و عقل و علم بدون حلم، سودی نمی‌بخشد.

از جمله آثار و فواید گوناگونی که برای حلم در روایات امام علی(ع) بیان شده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: کرامت یافتن، سروری یافتن، ستوده‌زیستن در میان مردم، قدرت یافتن، یاری شدن از سوی دیگران در برابر دشمن، محافظت شدن از گزند زبان سفیه، خشنودی پروردگار، به خشم آوردن شیطان و مجازات کردن احمق. دو راهکار عملی برای افزایش حلم، با توجه به روایات امام علی، علیه السلام، عبارت‌اند از: تَحَلُّم (خود را به حلم زدن) و فروخوردن خشم. حد و مرز حلم‌ورزی تا جایی است که موجب ذلت و خواری نشود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.

۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، چاپ اول، ۱۰ جلد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق، محمود محمد طناحی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۵. ابن درید، محمد بن الحسن، (۱۹۸۷م)، جمهرة اللغة، تحقیق و مقدمه: الدكتور رمزی منیر بعلبکی، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۳۷۷ق)، المحکم و المحيط الأعظم فی اللغة، تحقیق جلد سوم، الدكتور عائشة عبدالرحمن، چاپ اول، ۷ جلد، ریاض؟، معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية.
۷. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و حرکت گذاری، عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
۹. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح، تحقیق: أحمد عبدالغفور عطار، چاپ چهارم، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۱. حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، یک جلد، قم، جامعه مدرّسین.
۱۲. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق: محمد باقر محمودی، چاپ اول، ۲ جلد، تهران، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة.
۱۳. راغب، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.
۱۴. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دار الكتاب العربی.
۱۵. سید قطب، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت - قاهره، دار الشروق.
۱۶. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور، بی چا، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۷. شرتونی، رشید، (۱۴۲۱ق)، مبادئ العربیة، قسم الصرف، جلد ۴، ویرایش و آماده سازی: حمید محمدی، چاپ پنجم، قم، دار العلم.
۱۸. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، (۱۳۷۶)، الأمالی، چاپ ششم، یک جلد، تهران، کتابچی.

۱۹. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: شیخ آقابزرگ تهرانی، تحقیق: أحمد قصیر عاملی، بی جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۶ق)، القاموس المحیط، تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرساله، نظارت، محمد نعیم العرقسوسی، چاپ هشتم، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۶. فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ دوم، قم، مؤسسه‌ی دار الهجرة.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الأصول من الکافی، تصحیح و مقابله: شیخ نجم‌الدین آملی، تحقیق و حاشیه‌نویسی: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. مصطفی، ابراهیم و همکاران، (۱۴۱۰ق)، المعجم الوسیط، چاپ دوم، استانبول، دار الدعوة.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الأمالی (للمفید)، چاپ اول، ۱ جلد، قم، کنگره شیخ مفید.